

## نقش مشارکت سیاسی و نظام دموکراتیک در شکل دهی فرهنگ سیاسی

فرهاد مهرگان<sup>۱\*</sup>، ابوالحسن فقیهی<sup>۲</sup>، ناصر میرسپاسی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (عهده‌دار مکاتبات)

<sup>۲</sup> استاد، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۳</sup> استاد، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: اردیبهشت ۱۳۹۷، اصلاحیه: شهریور ۱۳۹۷، پذیرش: آبان ۱۳۹۷

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان اثرگذاری مشارکت سیاسی در استقرار نظام دموکراتیک، و تعیین ساز و کارهای مشارکتی بر شکل‌گیری ارزشهای فرهنگ سیاسی در اقلیم کردستان عراق انجام شده است. این پژوهش از نظر ماهیت و روش، توصیفی (پیمایشی) و از نظر روابط بین متغیرها جزو مطالعات همبستگی بشمار می‌آید. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران و معاونان ۱۳ وزارتخانه است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران، ۷۳ نفر برآورد گردید. داده‌های تحقیق از طریق پرسشنامه‌های محقق‌ساخته گردآوری شده که روایی و پایایی آنها با انجام آزمونهای مختلف مورد تایید قرار گرفت. داده‌های تحقیق با نرم افزارهای SPSS و LISREL و از طریق آزمونهای همبستگی و تحلیل مسیر، تحلیل شدند. نتایج بدست آمده نشان داد بین متغیرهای تحقیق همبستگی قوی و مثبت وجود دارد، و مسیر اثرگذاری بین آنها در حد قابل قبول است. به طوری که اولاً مشارکت سیاسی شهروندان در استقرار یک نظام دموکراتیک موثر بوده است، ثانیاً فرآیندهای دموکراتیک در شکل‌گیری ارزشهای فرهنگ سیاسی موفق عمل کرده است. بر همین مبنا با اتکا به وضعیت موجود می‌توان درصد بالایی از تغییرات را پیش بینی کرد.

**واژه‌های اصلی:** مشارکت سیاسی، دموکراسی و فرهنگ سیاسی

### ۱- مقدمه

دموکراسی به نفع سیاست‌ها و گرایش‌های حکومتی خود استفاده کرده‌اند. اما آنچه روشن است تا به حال تعریف جامعی که عقلانیت دموکراسی را اثبات کند، ارائه نشده است. حتی برخی از اندیشمندان مانند پوپر دموکراسی را در معنای حاکمیت گسترده مردم، به ترویج ایدئولوژی غیرعقلایی و دامن زدن به خرافات و خلق فضای عوام‌فریبانه متهم کرده‌اند [۱۲]. در مقابل برخی از نظریه‌پردازان هنجاری مانند آلموند<sup>۱</sup> و وربا<sup>۲</sup>، گولت<sup>۳</sup> و کوهن<sup>۴</sup> بر این باورند وجود مشارکت مستلزم وجود دموکراسی است و مشارکت ابزاری برای تحولات ساختاری در راستای آزادی و عدالت است. آلموند و وربا مشارکت سیاسی را قلب دموکراسی می‌دانند و معتقدند رفتار شهروندان، به ویژه رای دادن، به میزان قابل توجهی نتیجه اجتماعی شدن سیاسی است [۲۲]. همچنین گولت اظهار می‌دارد بدون مشارکت پیش‌رونده مردم، دموکراسی ظاهرسازی بیش نیست [۳۶]. کوهن نیز ادعا می‌کند یکی از ابعاد دموکراسی میزان مشارکت مردم در امور است و قوام دموکراسی را منوط به وجود مشارکت می‌داند [۲۰]. اما باید در نظر داشت فرآیند کارگزاری و بقای نهادهای دموکراتیک در سطح

مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، همیشه به عنوان یکی از ارزش‌های مهم اداره امور عمومی مطرح است. به طوری که مشارکت شهروندان در امور عمومی یکی از اقدامات کلیدی در راستای عدالت اجتماعی بشمار می‌رود. بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. پس مشارکت مردم در امور سیاسی به هر شکل معنادار، برای تحقق دموکراسی لازم است، هر چند کافی نیست. با علم به اینکه نظام‌های سیاسی در طول تاریخ شکل‌دهنده ساختار حکومتی بوده‌اند، تمامی سیستم‌های سیاسی اعم سوسیالیسم، لیبرالیسم، فاشیسم و... همیشه مدعی شده‌اند با برنامه‌ها و خط‌مشی‌های که دارند می‌توانند شهروندان خود را در نیل به اهداف و خواسته‌هایشان رهبری کنند و جامعه را به بهترین شیوه ممکن اداره نمایند. بر این اساس بین سیستم‌های سیاسی و شهروندان یک رابطه دو سویه ایجاد شده که در آن مردم جهت‌دستیابی به خواسته‌ها و مطالبات خود، خواهان افزایش نقش‌شان در اداره امور کشور هستند. در این بین نظام‌های دموکراتیک با اتکا به آرای مردم جزو معدود سیستم‌های سیاسی هستند که در طول تاریخ جذابیت‌های سیاسی خود را حفظ نموده‌اند و مسئولان حکومتی در این گونه نظام‌ها از مفهوم

<sup>1</sup> Almond

<sup>2</sup> Verba

<sup>3</sup> Goulet

<sup>4</sup> Cohen

\* mehrgan.farhad@gmail.com

نظام سیاسی با جهت‌گیری‌های ارزشی سطح فردی ارتباط نزدیکی دارند. این بدان معناست سرنوشت نظام سیاسی عمدتاً به وسیله نگرشهای سیاسی و جهت‌گیری‌های ارزشی مردم تعیین می‌شود. این ایده که نظام سیاسی هر جامعه باورها و ارزشهای رایج مردم، یعنی فرهنگ سیاسی، را منعکس می‌کند می‌تواند نتیجه عوامل مختلفی مانند شرایط تاریخی، نظام اعتقادی، فعالیتهای اقتصادی، ساختار سیاسی- اجتماعی و... باشد. بر این مبنا برخی از صاحب‌نظران مارکسیست مانند مارکس، لنین و گرامشی در بررسی فرهنگ سیاسی آن را نتیجه کنشهای اقتصادی فرض کرده‌اند. آنها موضوع فرهنگ سیاسی را به حد یک بررسی ثانویه تنزل داده و به طور سنتی فرهنگ سیاسی را بخشی از روبنای جامعه تلقی می‌کنند، روبنایی که خود بازتابی از روابط اقتصادی به شمار می‌رود. در مقابل برخی صاحب‌نظران مانند اینگلهارت<sup>۱</sup>، لیپست<sup>۲</sup>، جکمن<sup>۳</sup> و میلر<sup>۴</sup> بر این باورند فرهنگ سیاسی با ارزشهای دموکراتیک در نظامهای سیاسی که دموکراسی در آنها حاکم است، شکل‌گیری می‌گیرد.

## ۲- بیان مساله

لزوم مشارکت سیاسی و ایجاد نهادهای سیاسی دموکراتیک بر وجود جامعه مدنی پویا و رشد یافته تاکید دارد و رابطه بین مردم و دولت را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که حاکمیت نتواند بر حقوق سیاسی مردم تعدی کند و آزادی‌های آنها را مخدوش سازد. به گونه‌ای که میلبرث و گوئل بیان می‌کنند مشارکت جوهر دموکراسی است و به همین دلیل باید آن را بسیار ارزشمند دانست [۲۴]. بروکر<sup>۵</sup> معتقد است تجربه عملی نظامهای سیاسی توسعه یافته گواه این امر است که میزان التزام دولتها به پذیرش مشارکت مردم، معیار مهمی در نسبت سنجی هر شکل از نظام سیاسی با الگوی حکمرانی خوب به شمار می‌رود و می‌تواند زمینه بیشترین میزان دخالت مردم و تبیین نگرش آنها را در تعیین سرنوشت سیاسی خود فراهم آورد [۷]. در مقابل این دیدگاه، برخی هم معتقدند مشارکت مردم، الزاماً به معنی پذیرش حاکمیت نظام سیاسی نیست و در بسیاری از کشورها فعالیتهای مشارکتی صرفاً جنبه صوری و نمادین دارند. کورد و همکارانش ادعا می‌کنند برخی نظامهای سیاسی (اقتدارگرا و تمامیت-خواه) علیرغم وجود احزاب سیاسی بیشتر خواهان مشارکت نمادین مردم در انتخابات هستند و ممکن است سطح آن از کشورهای دموکراتیک هم بالاتر باشد، اما سایر مشارکت سیاسی در آنها ترویج و ترغیب نمی‌شود [۲۹]. اوکلی و مارسدن نیز بیان می‌کنند زمانی که دولتها در مورد مشارکت مردمی صحبت می‌کنند آن را مطابق سلیقه خود می‌خواهند. آنها قوانین امر را تعیین می‌کنند، کلیه تشکیلات خودجوش مردمی را بی‌اثر می‌کنند و یا افرادی را از بین خود انتخاب می‌نمایند و مفهوم مشارکت به صورت عام و مشارکت سیاسی به صورت خاص را تا حد یک بازیچه تنزل می‌دهند [۲]. مشارکت شهروندان در مسایل سیاسی و امور

مربوط به حکومت و همچنین بر قراری یک نظام دموکراتیک از اهم مسائل هر جامعه‌ای به شمار می‌رود و مستلزم این است که مردم در کمال آزادی و با سنجش عقلانی در سرنوشت خود و جامعه‌شان حضور فعال داشته باشند تا بتوانند در روند تصمیم‌گیری‌ها برای تحقق اهداف ملی و دخالت بیشتر در تعیین خط‌مشی‌های عمومی و چگونگی اداره امور کشور تاثیرگذار باشند. بدیهی است فرآیند مشارکت و دموکراتیک شدن سیستم حکومتی، با توزیع و توزیع مجدد ساختار قدرت همراه بوده، لذا افراد و سازمان‌هایی که تاکنون بخش عظیمی از قدرت و اقتدار کلی نظام سیاسی و اداری را در دست دارند، در مقابل از دادن قدرت‌شان مقاومت می‌کنند، و افرادی که در روند دگرگونی‌ها و مردمی کردن نظام سیاسی و اداری صاحب قدرت و جایگاه شده‌اند به استقبال تغییر رفته و از آن حمایت می‌کنند. البته باید بر این نکته تاکید کرد مشارکت فعالانه شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها نخست در میزان آگاهی و شناخت آنان از هویت شهروندی خویش متجلی می‌شود، سپس در مداخله داشتن در اداره همه جانبه امور کشور و سیاست‌گذاری‌های کلان عینیت می‌یابد. مطالعه حاضر در اقلیم کردستان عراق انجام شده که در یک دهه اخیر شاهد تغییرات متعددی در زمینه‌های گوناگون سیاسی و اداری بوده است. با توجه به مطالب فوق سؤالاتی که این تحقیق سعی در تبیین آنها دارد شامل: الف. مشارکت سیاسی شهروندان کرد چه تاثیری بر استقرار نظام دموکراتیک دارد؟ ب. مشارکت سیاسی تا چه اندازه در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک دخیل است؟ ج. دموکراسی تا چه اندازه در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک موثر است؟

## ۳- چارچوب نظری تحقیق

جهت بررسی متغیرهای تحقیق ابتدا لازم است تعاریفی از آنها ارائه شود، سپس مباحث کلیدی در خصوص ارتباط بین متغیرها و پیشینه تحقیقاتی‌شان مطرح شود. الف. مشارکت سیاسی: به نظر رابرتسون مشارکت سیاسی عبارت است از میزانی که شهروندان، از حقوق دموکراتیک عادی خود مبنی بر پرداختن به آن دسته از فعالیتهای سیاسی که در قانون تعیین شده، استفاده می‌کنند [۴۱]. هانتینگتون بیان می‌کند مشارکت سیاسی شامل؛ فعالیت شهروندان به منظور تاثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی دولت [۲۵]. راش نیز معتقد است مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. مشارکت سیاسی اگر به صورت محدود به منزله دموکراسی تعریف نشود پدیده‌ای جهانی است، نه به این معنا که همه افراد لزوماً به فعالیت سیاسی بپردازند، و نه اینکه از نظر شکل یا وسعت در همه جوامع به یک اندازه معمول است، بلکه به این مفهوم که در همه جوامع یافت می‌شود [۱۳]. ب. دموکراسی: کوهن اعتقاد دارد دموکراسی، نظام حکومتی است که در آن اعضای جامعه به طور مستقیم یا غیرمستقیم در اتخاذ تصمیماتی که مربوط به آنهاست مشارکت می‌کنند [۲۰]. به نظر لیپست دموکراسی یک نظام سیاسی است که فرصت‌های منظم برای تغییر مقامات دولتی

<sup>1</sup> Inglehart

<sup>2</sup> Lipset

<sup>3</sup> Jackman

<sup>4</sup> Miller

<sup>5</sup> Broker

می‌کند موثرترین راههای رسیدن به توسعه واقعی و با دوام، همان جلب مشارکت مردم در فرآیند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا است [۴۲]. لرنر و دویچ بر این باورند تحرک اجتماعی که خود پیامد صنعتی شده، سبب بالا رفتن سطح مشارکت توده شده و با بسیج اجتماعی می‌توان بخش بزرگتری از مردم در امور سیاسی درگیر کرد. در چنین شرایطی دموکراسی انتخابی صورت امکان می‌یابد، ولی اجتناب‌ناپذیر نیست [۳۱، ۳۹]. روسو دموکراسی را ابزار کسب دستیابی انسانها به آزادی و خودمختاری می‌داند، که مطابق این رویکرد، انسانها تنها وقتی آزاد خواهند بود که از قوانینی که خود در وضع آنها مشارکت داشته‌اند، پیروی نمایند [۲۶]. با توجه به دیدگاههای ارائه شده می‌توان استدلال کرد مشارکت سیاسی، بیان‌کننده نقش کلیدی شهروندان در امور سیاسی است و در هر نظام سیاسی شهروندان می‌توانند از طریق شرکت در تصمیمات و فعالیت‌های سیاسی در نیل به دموکراسی سهیم باشند.

در خصوص تبیین ارتباط نظام‌های دموکراتیک با فرهنگ سیاسی می‌توان بر این امر تاکید کرد در سیستم‌های دموکراتیک مردم در چارچوب عقیده، نگرش و باور آنها به سیستم و نظام سیاسی حاکم شکل عملی پیدا می‌کند، که این عقاید و باورها تبیین‌کننده فرهنگ سیاسی جامعه است. به عبارت دیگر فرهنگ سیاسی بازتابی از نحوه عملکرد ساختار سیاسی جامعه محسوب می‌شود. مردم با مشارکت در امور سیاسی می‌توانند در انتخاب صاحب‌منصبان سیاسی و فرآیند سیاست-گذاری نقش مهم و کلیدی داشته باشند و یک اقدام عملی جهت نیل به دموکراسی محسوب می‌شود. دموکراسی نیز زمینه‌ساز شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای شهروندان نسبت به فرآیندهای سیاسی می‌شود و این دیدگاه را در فرهنگ عامه ترویج می‌دهد که همگان می‌توانند نقش مهم و موثری در آینده سیاسی کشور ایفا کنند. در کل فرهنگ سیاسی جامعه حاصل رفتار و عملکرد سیاسی در یک نظام اجتماعی است و رفتار سیاسی نیز بیان‌خواسته‌ها و تقاضاها از سوی شهروندان و پاسخ به این خواسته‌ها از سوی منتخبین سیاسی و صاحبان قدرت قلمداد می‌شود. همچنین الزامات زندگی اجتماعی، شرایطی را ایجاد می‌کند تا شهروندان در فعالیت‌های سیاسی درگیر شوند و از طریق نهادها و ساختارهای موجود، در رسیدن به این خواسته‌ها خود تلاش کنند. این نوع فعالیت‌ها سبب خواهد شد شهروندان انتخاب بهتری نسبت به خواسته‌های خود داشته باشند و نتیجه عمل سیاسی برای همگان سودمندی باشد. بر این اساس می‌توان گفت ارزشهای و باورهای دموکراتیک مردم پیش شرطی برای ایجاد و کارگزاری دموکراسی نیستند، بلکه پیامد آنند، و فرهنگ دموکراتیک حاکم بر جامعه در راستای زندگی در محیطی است که ریشه-ها و اساس دموکراسی در آن نهادینه شده است [۳۷، ۳۱، ۲۸، ۱۶، ۱۱، ۴]. برخی از نویسندگان پیدایش و استقرار دموکراسی را پیش فرض یک فرهنگ سیاسی خاص می‌دانند که اولاً تساهل نسبت به عقاید مختلف و ثانیاً اعتماد نسبت به دیگران در آن برجسته باشد [۹]. دیاموند بیان می‌کند یک سیستم دموکراتیک شکل‌دهنده مجموعه‌ای از ارزشهای سیاسی و جهت‌گیریهای شهروندان مانند تعادل، تساهل، مدنیت، اثربخشی، دانش و مشارکت است و فرهنگ سیاسی عامل مهمی و اصلی در تحکیم

(حکومتی) را مطابق قانون اساسی دارد [۴۰]. همچنین به باور شومپتر دموکراسی یک نظم نهادی به منظور رسیدن به تصمیمات سیاسی است که اقرا تحت لوای آن به دلیل تلاش رقابت‌آمیز و با جلب آرا مردم به قدرت تصمیم‌گیری دست می‌یابد [۱۴].

ج. فرهنگ سیاسی: آلموند فرهنگ سیاسی را مجموعه‌ای از منش‌ها، اعتقادات و احساسات در درون یک ملت نسبت به سیاست در زمانی مشخص می‌داند [۲۷]. به عقیده بال و پیترز، فرهنگ سیاسی از آن ایستارها، باورها، احساسات و ارزش‌های جامعه تشکیل می‌شود که به نظام سیاسی و مسائل سیاسی مربوط است. این ایستارها ممکن است آگاهانه نباشد و به ارتباط فرد یا گروهی با نظامی سیاسی مربوط باشد. ایستارها و جهت‌گیری‌ها نسبت به نهادهای سیاسی دولت و درجه احساسات شهروندان دو جزء مهم فرهنگ سیاسی هستند که براساس آنها می‌توان بر روند تصمیم‌گیری تاثیر گذاشت [۶]. اما به عقیده اینگلهارت فرهنگ سیاسی در سطح خرد، شامل فعالیت‌های عادی سیاسی است که سطحی روان‌شناسانه و فردی را در بر می‌گیرد، ولی فرهنگ سیاسی در سطح کلان، خود، متغیرهای اساسی و مشترک در جامعه سیاسی را شامل می‌شود [۳].

در خصوص ارتباط بین متغیرهای تحقیق دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در ذیل برخی از آنها بررسی می‌شود. در تبیین رابطه بین مشارکت سیاسی و دموکراسی، عده‌ای از اندیشمندان عقیده دارند در سراسر قرن بیستم روشن نبود که از بین فاشیسم، کمونیسم و دموکراسی کدام یک به پیروزی می‌شوند. چون هر سه نظام از مشارکت توده‌ای سیاسی بهره می‌جستند، ولی فاشیسم و کمونیسم در خدمت نظام‌های اقتدارگرای تک حزبی دست به این اقدام می‌زدند. اما در مقابل عده‌ای باور دارند دموکراسی، اشکال گسترده‌تری از مشارکت را در بر می‌گیرد و ویژگی اصلی آن، مشارکت و تصمیم‌گیری مردم در اموری است که سرنوشت‌شان به تصمیمات وابسته است [۴۲، ۳۹، ۳۳، ۳۱، ۲۱، ۱۳، ۸]. به عنوان مثال وبر دموکراسی را یک نظامی سیاسی می‌داند که در آن مردم، مشارکت‌کننده در نظام حکومتی باشند و نه افراد منفعل، و کلید مفهوم مشارکت‌کننده درک معنای شهروندی بودن است و شهروند بودن نیز به معنای توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری و تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران است [۲۱]. راش عنوان می‌کند مشارکت سیاسی اگر به صورت محدود، مترادف با دموکراسی تعریف نشود، پدیده‌ای جهانی است، نه به این معنا که همه افراد لزوماً به فعالیت سیاسی می‌پردازند و نه اینکه از نظر شکل یا وسعت در همه جوامع به یک اندازه معمول است، بلکه به این مفهوم که در همه جوامع یافت می‌شود [۱۳]. ژاکوبسن معتقد است مشارکت اکثریت مردم در زندگی سیاسی و تصمیم‌گیری سیاسی از طرف آنان عین دموکراسی تلقی می‌شود [۸]. فردریکسون<sup>۱</sup> عقیده دارد مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها نیز موجب کنترل و نظارت آنها بر امور دولتی می‌شود و در نتیجه سیستم اداری متعهد به پیگیری نیازهای جامعه می‌گردد. در نتیجه مشارکت هم تقویت دموکراسی و هم به افزایش پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری کمک می‌کند [۳۳]. ستوکس بیان

<sup>۱</sup> Frederickson

مشارکت سیاسی برای اقلیت‌ها مورد بررسی قرار داد بیان می‌کند حق مشارکت سیاسی برای حمایت منافع همه گروه‌ها و اقلیت‌ها ضروری است و اقدامات لازم برای حصول اطمینان از مشارکت موثر توسط اقلیت‌ها در پروسه‌های مشورتی و تصمیم‌گیری دولت دموکراتیک حائز اهمیت است و مدعی شده دموکراسی اراده اکثریت نیست و برای یک دولت دموکراتیک شرکت مردم در بحث‌های سیاسی در حد امکان، و مشارکت فعال آنها امری حیاتی محسوب شده و این یکی از اصول مهم در ارتباط با شهروندان و اساس رژیم‌های حقوقی دموکراتیک بشمار می‌آید [۴۵].

مظلوم خراسانی و عظیمی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی توسعه و نابرابریهای اجتماعی در هند و نحوه ارتباط بین بهبود ظرفیت نظام‌های اقتصادی، سیاسی و توزیعی و مشارکت شهروندان پرداخته‌اند. براساس نتایج تحقیق آنها، آنچه در جامعه هند می‌تواند تعامل بین توسعه و دموکراسی را به منظور کاستن از نابرابری‌های منزلتی و درآمدی و کیفیت زندگی بهبود بخشد، حکمرانی خوب و ایجاد زمینه‌های تقویت کنش دموکراتیک با دخالت عامه مردم، جامعه مدنی و نخبگان سیاسی در امور کشور است. همچنین مشارکت اکثریت مردم و تسهیل فرآیندهای دموکراتیک مسیر روشنی تا محو و یا کاهش تبعیضهای اجتماعی در پیش دارد و با افزایش ظرفیتهای اقتصادی می‌تواند منابع درآمدی کشور را افزایش داده، و از میزان فقر و نابرابری‌های موجود بکاهد [۲۳].

شیرزادی (۱۳۸۹) به بحث پیرامون دولت و توسعه سیاسی در مالزی و چگونگی فرآیند توسعه سیاسی و دموکراسی در این کشور پرداخته است. وی بیان می‌کند روند توسعه اقتصادی - اجتماعی مالزی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم و به طور مشخص در دهه ۱۹۷۰ آغاز شده که با بهره‌گیری از مدیریت دقیق اقتصادی، آزادسازی اقتصاد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و الگو برداری از کشورهای موفق مانند ژاپن و کره جنوبی، یکی از کشورهای توسعه‌یافته به شمار می‌رود. اگر چه در این کشور همانند ممالک توسعه‌یافته، دموکراتیک نیست، اما در مسیر دموکراسی قرار دارد و در حال نزدیک شدن به آن است. به نظر محقق، مالزی از لحاظ دستیابی به دموکراسی، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی کامیاب‌ترین کشور آسیای جنوب شرقی است [۱۵]. اطاعت (۱۳۸۳) نیز به مطالعه فرآیند نظام سیاسی و انتخاباتی در ایران با رویکردی مبتنی بر دموکراتیزاسیون و تحول گفتمان‌های سیاسی در ایران سده حاضر پرداخته است. وی رابطه تعاملی میان نظام انتخاباتی و نظام سیاسی که مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های متقابل تعریف می‌شود، مورد پژوهش قرار داده است، و به این نتیجه رسیده است چالش میان اقتدارگرایی و دموکراسی‌خواهی علاوه بر شکل‌دهی به دوره‌های گذار و تحول در مبانی مشروعیت نظام پاتریمونیالیستی قاجار گفتمان‌های متفاوتی را به وجود آورده است. همچنین استدلال می‌کند که برای ایجاد تغییر در ساختار قدرت سیاسی می‌توان دگرگونی‌هایی در نظام انتخاباتی و تغییر در نحوه مشارکت مردم به وجود آورد و یا بالعکس [۱].

همچنین پژوهش‌های مختلفی در مورد رابطه نظام‌های دموکراتیک با فرهنگ سیاسی جوامع صورت گرفته است که می‌توان به چند نمونه از

دموکراسی قلمداد می‌شود [۳۱]. پژوهشگران فرهنگ سیاسی ادعا کرده‌اند که کارگزاری و بقاء نهادهای دموکراتیک در سطح نظام با نگرشهای ارزشی سطح فردی ارتباط بسیاری دارند و مفهوم پیوستگی نظام-جمعیت که نهادی سیاسی را با تمایلات توده در ارزشهای سطح فردی پیوند می‌دهد، برای کل ادبیات فرهنگ‌سیاسی ضروری است. از این دیدگاه سرنوشت نظام سیاسی، عمدتاً به وسیله نگرش‌های سیاسی و نگرشهای ارزشی مردم تعیین می‌شوند و تقریباً تمامی مطالعات برآنند که تمایلات توده مردم در نگرشهای سطح فردی و نگرشهای ارزشی برای کارگزاری دموکراسی در سطح نظام مهم هستند و این فرض پایه استدلال زیربنایی تحقیق درباره فرهنگ سیاسی است [۴]. همچنین پای بیان می‌کند فرهنگ سیاسی، پیامد تاریخ جمعی یک نظام سیاسی و تاریخ زندگی افرادی است که آن نظام را می‌سازند. به همین دلیل، به یکسان در رخدادهای عمومی و تجربه‌های شخصی ریشه دارد [۱۱]. دوتوکویل معتقد است در یک نظام دموکراتیک، شهروندان هنجارهای دموکراتیک را در زندگی روزانه تجربه کرده و به آن عمل می‌کنند، در نتیجه کارآمدی دموکراسی به اموری بیش از اعتماد به نهادها و نیازمند است، یعنی به مجموعه گسترده‌ای از ارزشها و باورهای شهروندی نیاز است. در فرهنگ سیاسی (مشارکتی) مردم به طور نسبی در طرح درخواستها و نیز داده‌ها (راهبردها، قوانین و طبقه‌بندی اولویتها) نقش دارند و درباره رفتار نخبگان سیاسی حساسند [۴]. در کشورهای برخوردار از این فرهنگ سیاسی، شهروندان از نظر روانی، معتقدند می‌توانند به نظام سیاسی کمک کنند و بر تصمیم‌های سیاسی اثر بگذارند [۱۸]. دال (به نقل از هانتینگتون) می‌نویسد، دموکراسی دو بعد اساسی را در بر می‌گیرد: رقابت و مشارکت. این دو بعد شامل شرایطی مانند آزادی مدنی و سیاسی برای بیان عقاید و نظرات، نشر افکار، اجتماعات، و سازماندهی در کمپین‌های انتخاباتی و مناظره‌های سیاسی است [۳۷]. عالم بر این باور است در جوامع توسعه‌یافته مردم در زندگی سیاسی مشارکت می‌کنند و این امر ایستارها، نگرش‌ها و ارزش‌های خاص و مختلفی نسبت به ساختارهای سیاسی (مانند احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ و نقش‌های آنها) در بین مشارکت‌کنندگان سیاسی ایجاد می‌کند [۱۶]. کات بیان می‌کند در دموکراسی مشارکتی مردم به وسیله مباحثات و گفتگوهای جمعی در مورد مسائل مورد نیاز و انتخاب بهترین راه‌حل برای گروهها نقش ایفا می‌کنند. مشارکت مردم ضمانتهای قانونی برای انجام انتخاباتی آزاد در فعالیتهای عمومی و خصوصی را فراهم می‌سازد که توسط یک نظام دموکراتیک نهادینه شده‌اند. از این رو که انتخاب انسانی در کانون دموکراسی جای دارد، ارزش‌های مدنی که فعالیت دموکراسی را کارآمد می‌سازد، ارزشهای هستند که بر انتخاب‌های انسانی تاکید می‌کنند [۲۸].

#### ۴- پیشینه تحقیق

در مورد رابطه مشارکت سیاسی و تاثیر آن در استقرار نظام‌های دموکراتیک تحقیقات متعددی انجام شده است

ویتلی<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در تحقیق خود عدم تبعیض و برابری در حق

<sup>1</sup> Wheatley

نگرش مثبت به جهان مادی است [۳]. باگناسکو (۱۳۹۲) درباره سنت‌های مدنی ایتالیا، تحقیقی در زمینه ارتباط فرهنگ سیاسی و دموکراسی انجام داده است. وی با سنجش دقیق عملکرد دموکراسی در بیست منطقه شمال و جنوب ایتالیا و سپس با آزمون همبستگی‌های آماری میان عواملی از قبیل سطح درآمد، میزان شهرنشینی، میزان صنعتی شدن، مقدار منابع موجود و نظایر آن متوجه شد که مهمترین متغیر برای تبیین موفقیت‌های دموکراتیک، میزان توسعه جامعه مدنی است. و تفاوت در عملکرد حکومت با وجود تشکیلات و ترتیبات نهادی یکسان، ناشی از متغیر فرهنگ سیاسی متفاوت نهفته در بافت و زمینه اجتماعی این مناطق می‌باشد [۵]. دایموند<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) در کتاب خود با عنوان دموکراسی در حال توسعه به سوی تحکیم و در آزمون فرآیندهای تحکیم دموکراسی در کشورهایی که پس از «موج سوم» دموکراتیزاسیون جهانی بالاتر از آستانه دموکراسی انتخاباتی قرار داشتند، بر عوامل فرهنگی و سیاسی و جامعه مدنی تمرکز کرده است. او یادآور شده دموکراسی نیازمند مجموعه‌ای از ارزشهای سیاسی و جهت‌گیری‌های شهروندان مانند تعادل، تساهل، مدنیت، اثربخشی، دانش و مشارکت است، و فرهنگ سیاسی عاملی مهم و اصلی در تحکیم دموکراسی قلمداد می‌شود [۳۱]. تسلر<sup>۷</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی درباره فرهنگ سیاسی خاورمیانه و کشورهای عربی، رابطه و تاثیر سنت‌های مذهبی حاکم و فرآیندهای دموکراتیک بر ظهور فرهنگ سیاسی مشارکتی در این کشورها بررسی کرده است. نتایج بدست آمده در این مطالعه فرضیه تاثیر منفی جهت‌گیری‌های مذهبی را بر گرایشها و جهت‌گیریهای افراد نسبت به دموکراسی آزمون کرده و نظر کسانی را که اسلام را مانع ظهور گرایش‌های سیاسی حامی دموکراسی می‌دانند به چالش کشیده است. البته محقق محدودیت‌های مطالعه خود را از نظر زمانی و مکانی و از حیث سطح تحلیل به منظور ارائه یک تعمیم معتبر می‌پذیرد و معتقد است مطالعه‌اش در این زمینه درباره کشورهای عربی تنها در حد یک شروع است و می‌تواند زمینه‌ای را برای مطالعات بیشتر در باب فهم دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک و تاثیر آن بر آینده تحولات جهان عرب، و به علاوه میزان تجانس و یا تعارض آن با فرهنگ سیاسی دموکراتیک فراهم آورد [۴۴]. بهمنی‌طراز (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک در بین طبقه متوسط جدید و عوامل موثر بر آن در بین استادان دانشگاه و دبیران دبیرستان‌های شهر همدان بررسی کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد از بین شاخص‌های توسعه گرایش به ارزش‌های فرامادی، سطح آموزش و میزان استفاده از رسانه‌ها و از بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشترین رابطه را با دموکراسی دارند و متغیرهای آزادی بیان، برابری جنسیتی، تساهل و تسامح دینی نیز در کنار متغیرهای فوق تاثیرپذیری معناداری از گرایش به دموکراسی دارد [۱۰]. عبدالهی و حسین‌بر (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای با عنوان هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران، بر اهمیت هویت‌های قومی برای دموکراسی و به ویژه نگرش به آن تاکید نموده‌اند. آنها با رتبه‌بندی اقوام

آنها اشاره کرد. کیربیس<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در بررسی ارتباط بین مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی استدلال می‌کند که مردم در کشورهایی که به لحاظ اقتصادی - اجتماعی توسعه یافته‌ترند از نظر سیاسی نیز فعال‌ترند و افرادی که گرایشهای غیردموکراتیک دارند، از نظر سیاسی نیز کمتر فعالند. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد شهروندان و زنان در کشورهای پساکمونیزست، که فرهنگ سیاسی محدودتری دارند، از لحاظ سیاسی کمتر فعالاند و در مقایسه با هم‌تاهای غربی خود در فرآیندهای سیاسی کمتر مشارکت می‌کنند [۳۸]. گیسیر<sup>۲</sup> و ریجیک<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در تحقیقی مشارکت سیاسی جوانان آلمانی در اروپا را مورد مطالعه قرار دادند. نتیجه تحقیق حاکی از آن بود کشورهای آلمان، دانمارک، هلند و تا حدودی انگلیس از فرهنگ مدنی پیشرفته‌تری برخوردارند در نتیجه میزان مشارکت آنها بالا است و علاقه سیاسی جوانان عاملی مهم برای شرکت در فعالیتهای سیاسی است. البته تفاوت میان کشورها به لحاظ مشارکت سیاسی تا حدودی به دلیل سنت‌های فرهنگ سیاسی آنان است [۳۴]. گراهام<sup>۴</sup> و رگولسکا<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) فضای سیاسی در دسترس زنان در کشور لهستان را بررسی کردند بیان می‌نمودند دموکراسی نوظهور در لهستان تاکنون راه را برای فعالیت سیاسی زنان باز کرده است و فرهنگ سیاسی موجود در لهستان توانسته مشارکت سیاسی زنان را به شکلی برابر تضمین کند [۳۵]. کرمی‌فرد (۱۳۸۹) به مطالعه مشارکت سیاسی در آذربایجان غربی با تاکید بر قوم کرد پرداخته و نتیجه گرفته است مشارکت سیاسی شهروندان بیشتر برای تاثیرگذاری بر گزینش اعضای دولت، یا برنامه‌ها و فعالیتهای آنها انجام می‌شود و اهمیت مشارکت سیاسی اقوام و اقلیت‌ها در عرصه‌های سیاسی، بویژه کنش‌های سیاسی مسالمت‌آمیز و قانونی و در تامین امنیت تاثیرگذار بوده است. در ادامه محقق تاکید نموده یک نظام سیاسی هر اندازه از میزان مشارکت سیاسی مردمی یا مشارکت عمومی بیشتری در اداره امور جامعه برخوردار باشد، به همان میزان از مشروعیت بیشتری بهره‌مند می‌گردد. به نظر او بهره‌مندی نظام سیاسی از میزان بالای مشارکت عمومی، عامل ثبات و تداوم بیشتر آن و موجب شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای شهروندان به نظام سیاسی است و در یک دهه گذشته یکی از مهمترین عوامل ترغیب کردها به مشارکت در اعتماد متقابل میان کردها و حاکمیت است [۱۹]. اینگلهارت (۱۳۹۲) در کتاب تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، تئوری خود را تحت عنوان تئوری توسعه انسانی طراحی کرده است. وی معتقد است جوامع در هر دوره مجموعه پیوسته و منسجمی از ارزشها را دارا هستند که مجموعه ارزشهای سنتی، ارزشهای بقا و ارزشهای ابراز وجود را شامل می‌شود. از نظر او شکل‌گیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک در زمینه وسیع‌تر تحول ارزشی تحت عنوان توسعه انسانی تحقق می‌پذیرد. در تئوری فوق شاخص‌هایی مانند رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر، میزان بالای بحث سیاسی و حمایت از نظم اجتماعی موجود از مولفه‌های

<sup>1</sup> Kirbis

<sup>2</sup> Gaiser

<sup>3</sup> Rijike

<sup>4</sup> Graham

<sup>5</sup> Regulska

<sup>6</sup> Diamond

<sup>7</sup> Tessler

بودند، برای انجام این تحقیق انتخاب شده‌اند. جهت تعیین حجم نمونه ابتدا به بخش کارگرفینی وزارتخانه‌ها مراجعه شد و مشخص گردید تعداد معاونان و مدیران آنها ۹۰ نفر هستند. سپس با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه آماری ۷۳ نفر برآورد گردید. برای انتخاب نمونه‌های آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده گردید که در آن وزارتخانه‌ها به عنوان خوشه اصلی، و بخشهای اداری- مالی، آموزش- منابع انسانی، عمرانی، تحقیق و توسعه، به عنوان خوشه فرعی در نظر گرفته شدند و از بین آنها عضوهای نمونه انتخاب شده‌اند. با بررسی وضعیت جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان این اطلاعات بدست آمد: از بین نمونه‌های آماری، ۳۵ نفر معاون و ۳۸ نفر مدیر بودند. معاونان به لحاظ جنسیت، ۲۹ نفر (۰/۸۳) مرد و ۶ نفر (۰/۱۷) زن بودند. از نظر میزان تحصیلات، ۸ نفر (۰/۲۳) مدرک کارشناسی، ۱۶ نفر (۰/۴۶) مدرک کارشناسی ارشد، و ۱۱ نفر (۰/۳۱) مدرک دکتری داشتند.

از نظر سن، ۶ نفر (۰/۱۷) بین ۳۵ تا ۴۵ سال، ۱۴ نفر (۰/۴۰) بین ۴۶ تا ۵۵، و ۱۵ نفر (۰/۴۳) بالای ۵۶ سال داشتند. همچنین از نظر سابقه خدمت، ۴ نفر (۰/۱۱) بین ۵ تا ۱۰ سال، ۷ نفر (۰/۲۰) بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۱۳ نفر (۰/۳۷) بین ۱۵ تا ۲۰ سال، و ۱۱ نفر (۰/۳۲) بالای ۲۰ سال داشتند. درآمد ماهیانه این افراد بین ۷ هزار تا ۷ هزار و ۵۰۰ دلار بود. مدیران نیز به لحاظ جنسیت، ۳۰ نفر (۰/۷۹) مرد و ۸ نفر (۰/۲۱) زن بودند. از نظر میزان تحصیلات، ۲۰ نفر (۰/۵۳) مدرک کارشناسی، ۱۴ نفر (۰/۳۷) مدرک کارشناسی ارشد، و ۴ نفر (۰/۱۰) مدرک دکتری داشتند. از نظر سن، ۷ نفر (۰/۱۸) بین ۳۵ تا ۴۵ سال، ۱۶ نفر (۰/۴۲) بین ۴۶ تا ۵۵، و ۱۵ نفر (۰/۴۰) بالای ۵۶ سال داشتند. همچنین از نظر سابقه خدمت، ۶ نفر (۰/۱۶) بین ۵ تا ۱۰ سال، ۱۰ نفر (۰/۲۶) بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۱۴ نفر (۰/۳۷) بین ۱۵ تا ۲۰ سال، و ۸ نفر (۰/۲۱) بالای ۲۰ سال داشتند. درآمد ماهیانه این مدیران بین ۶ هزار تا ۶ هزار و ۸۰۰ دلار بود.

#### ۶- یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق شامل دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی است. در بخش آمار توصیفی شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه و مد)، و شاخصهای پراکندگی (واریانس، انحراف معیار، انحراف استاندارد از میانگین و دامنه تغییرات) و شاخص‌های توزیع (چولگی و کشیدگی) بررسی گردید که نتایج آن در جدول (۱) ارائه شده است.

ایرانی در راستای نگرش به دموکراسی به این نتیجه رسیدند که نگرش اقوام به دموکراسی مثبت یا نسبتاً مثبت است، و علاوه بر این، نتایج بیانگر تاثیر مثبت و معنادار دموکراسی بر ارزش‌های فرهنگی و هویت جمعی است [۱۷]. اکستین<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۶) مطالعه‌ای در خصوص اصلاحات ارضی در آمریکای لاتین انجام داده و به این نتیجه رسیده‌اند رژیمهای سیاسی فقط تا زمانی ثبات دارند که الگوهای اقتدارشان با عقاید و دیدگاههای مردم در مورد نوع اقتدار سیاسی آن جامعه منطبق باشد. بر مبنای ایده انطباق، رژیم‌های اقتدارگرا تا زمانی باثبات خواهند بود که مردم به مشروعیت قدرت‌های دیکتاتوری باور داشته باشند، و رژیم‌های دموکراتیک تا زمانی باثبات هستند که مردم به کنترل عمومی اقتدار سیاسی و فرآیند دموکراتیک اعتماد دارند [۳۲].

#### ۵- روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نوع داده‌ها، جزو تحقیقات کمی بشمار می‌رود، و روش گردآوری داده‌ها نیز، پیمایشی است. بر این مبنای پرسشنامه‌های محقق‌ساخته برای گردآوری داده‌های تحقیق استفاده شده است. پرسشنامه‌های مذکور حاوی سوالات بسته بوده که گویه‌های آن به صورت ترتیبی (رتبه‌ای) و با مقیاس ۵ ارزشی (طیف لیکرت) برای اندازه‌گیری تعریف شده‌اند. قبل از توزیع پرسشنامه‌ها لازم بود از روایی و پایایی آنها اطمینان حاصل می‌شد، بنابراین پرسشنامه‌ها در اختیار ۲۵ نفر از خبرگان قرار داده شد تا نظرات تخصصی خود را نسبت به گویه‌ها آن بیان کنند. جهت سنجش روایی، روایی محتوا، صوری و سازه اندازه‌گیری شد، که در همه آنها نتایج مطلوبی برای گویه‌ها بدست آمد.<sup>۲</sup> همچنین به منظور سنجش پایایی پرسشنامه آزمون آلفای کرونباخ انجام شد که مقادیر حاصله برای متغیرهای مشارکت سیاسی (۰/۹۴۲)، دموکراسی (۰/۹۴۳) و فرهنگ سیاسی (۰/۹۵۲) است. جامعه آماری تحقیق شامل معاونان و مدیران اقلیم کردستان عراق بود که از سال ۲۰۰۳ میلادی در ۱۳ وزارتخانه (از مجموع ۱۷ وزارتخانه) به صورت رسمی استخدام و مشغول کار شده‌اند. وزارتخانه‌های مورد مطالعه عبارتند از: وزارتخانه‌های داخلی، دادگستری، برنامه‌ریزی، حمل و نقل، برق و منابع طبیعی، منابع آب و کشاورزی و محیط زیست، امور شهرداریها، اقتصاد، بازرگانی و صنعت، آموزش و پرورش، آموزش عالی، کار و امور اجتماعی، امور فرهنگی. این وزارتخانه‌ها در حوزه‌های حاکمیتی، زیربنایی، اقتصادی و دارایی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی فعالیت می‌کردند. افراد مذکور به دلیل اینکه در کارهای اداری و اجرایی (فرآیندهای بوروکراتیک) مشغول

<sup>۱</sup> Eckstein

<sup>۲</sup> روایی محتوا در همه گویه‌ها بالاتر از مقدار قابل قبول (یعنی ۰/۳۷ برای ۲۵ نفر) بوده و این بدان معناست که نسبت روایی محتوا گویه‌ها مورد تایید است. برای اندازه‌گیری روایی صوری آزمون نمره تاثیر آیتم انجام شد که در آن تمامی گویه‌ها، مقدار عددی بالاتری از ۱/۵ (حد قابل قبول برای روایی صوری) داشتند. جهت روایی سازه آزمون تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد که در آن شاخص کفایت نمونه‌گیری KMO بیشتر از ۰/۶ شد و مقدار کای دو در آزمون بارتلت برای متغیرهای مشارکت سیاسی، دموکراسی و فرهنگ سیاسی به ترتیب مقادیر (۱/۷۲۲)، (۰/۷۸۵) و (۰/۷۹۰) حاصل شد.

دارد.

آزمون همبستگی بین دموکراسی و فرهنگ سیاسی: در این آزمون ضریب همبستگی بین دموکراسی و فرهنگ سیاسی مقدار (۰/۷۷۴) بود که این مقدار نشان از وجود همبستگی مثبت و قوی را بین دو متغیر داشت. با توجه پایین بودن خطای محاسبه شده نسبت به خطای آلفا، می‌توان فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  تایید کرد. این نتایج در راستای یافته‌های پژوهشی (تسلر، ۲۰۱۶؛ دایموند، ۲۰۱۱؛ اکستین و همکاران، ۲۰۱۶؛ بهمنی‌طراز، ۱۳۹۴؛ باگناسکو، ۱۳۹۲؛ عبداللهی و حسین‌بر، ۱۳۸۵؛ اینگلهارت، ۱۳۹۲) است. نتایج آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق در جدول (۳)، ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

متغیرها		مشارکت سیاسی	دموکراسی	فرهنگ سیاسی
مشارکت سیاسی	همبستگی پیرسون	۱	۰/۷۸۵	۰/۷۹۴
	sig (دو دامنه)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
دموکراسی	همبستگی پیرسون	۰/۷۸۵	۱	۰/۷۷۴
	sig (دو دامنه)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مجموع			۷۳	

#### ۶-۲- تحلیل مسیر از طریق T-value

برای تعیین میزان اثرگذاری متغیرها، معناداری مسیرها (یعنی مقادیر T-value) بررسی شد. نتایج بدست آمده حاکی از معناداری مسیرها بود. به طوری که در مسیر مشارکت سیاسی به دموکراسی مقدار عددی (۵/۹۱) نشان‌دهنده تاثیر بالای مشارکت سیاسی در استقرار نظام دموکراتیک است. همچنین در مسیر مشارکت سیاسی به فرهنگ سیاسی مقدار عددی (۲/۳۴) بدست آمد که این مقدار تاثیر مطلوب مشارکت سیاسی بر شکل‌دهی به فرهنگ سیاسی را نشان می‌دهد. نهایتاً در مسیر دموکراسی به فرهنگ سیاسی مقدار (۲/۰۲) حاصل شد که این مقدار بیان کننده آن است تاثیرگذاری سیستم دموکراتیک در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی است. شکل (۱)، مقادیر T-value را در مسیرهای مختلف نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

جدول (۱): نتایج آمار توصیفی داده‌ها

شاخصها	آماره	مشارکت سیاسی	دموکراسی	فرهنگ سیاسی
مرکزی	میانگین	۳۴/۲۸	۳۲/۱۹	۳۲/۰۸
	میانه	۳۵	۳۲	۳۰
	مد	۲۴	۳۲	۲۲
پراکندگی	واریانس	۸۱/۸۷	۶۲/۷۴	۶۹/۷۱
	انحراف معیار	۹/۰۴	۷/۹۲	۸/۳۴
	انحراف استاندارد	۱/۰۵	۰/۹۲۷	۰/۹۷۷
	دامنه	۳۷	۳۷	۳۶
توزیع	چولگی	۰/۲۴۴	۰/۵۶۸	۰/۵۷۴
	کشیدگی	-۰/۷۵۶	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۰

در بخش آمار استنباطی برای تحلیل داده‌های تحقیق، ابتدا نحوه توزیع داده‌ها بررسی گردید. بدین منظور آزمون کولموگروف-اسمیرنوف انجام شد، در این آزمون خطای محاسبه شده بیشتر از خطای آلفا است که این امر نرمال بودن توزیع داده‌ها را تایید می‌کند. نتایج مذکور در جدول (۲)، ارائه شده است.

جدول (۲): آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیرها	آماره Z	Sig	تایید فرضیه	نتیجه‌گیری
مشارکت سیاسی	۰/۰۹۷	۰/۰۸۶	$H_0$	نرمال است
دموکراسی	۰/۰۹۹	۰/۰۷۵	$H_0$	نرمال است
فرهنگ سیاسی	۰/۰۹۸	۰/۰۷۹	$H_0$	نرمال است

#### ۶-۱- آزمون همبستگی متغیرها

نظر به توزیع نرمال داده‌ها، آزمون ضریب پیرسون مناسب‌ترین آزمون برای سنجش رابطه بین متغیرها است<sup>۱</sup> که جزئیات به شرح ذیل است::  
 آزمون همبستگی بین مشارکت سیاسی و دموکراسی: در این آزمون مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر عدد (۰/۷۸۵) و خطای محاسبه شده نیز کمتر از مقدار خطای آلفا بدست آمد، لذا ضمن رد فرض  $H_0$  و تایید فرض  $H_1$ ، می‌توان نتیجه گرفت بین دو متغیر فوق یک همبستگی مثبت و قوی برقرار بوده و این نتایج با یافته‌های پژوهشی (ویتلی، ۲۰۱۳؛ مظلوم خراسانی و عظیمی هاشمی، ۱۳۹۰؛ شیرزادی، ۱۳۸۹؛ اطاعت ۱۳۸۳) مطابقت دارد.

آزمون همبستگی بین مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی: در این آزمون ضریب همبستگی بین متغیرهای مشارکت و فرهنگ سیاسی مقدار عددی (۰/۷۹۴) بدست آمد که این مقدار نشان دهنده وجود یک رابطه مثبت و قوی بین دو متغیر بود. با توجه به اینکه خطای محاسبه شده کمتر از مقدار خطای آلفا بود، لذا فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  مورد تایید قرار گرفت. این نتایج با یافته‌های تحقیقاتی (کیربیس، ۲۰۱۲؛ گیسیر و ریجیک، ۲۰۱۴؛ گراهام و رگولسکا، ۲۰۱۵؛ کرمی‌فرد، ۱۳۸۹) همخوانی

<sup>۱</sup> مقدار خطای آلفا در آزمون همبستگی پیرسون ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

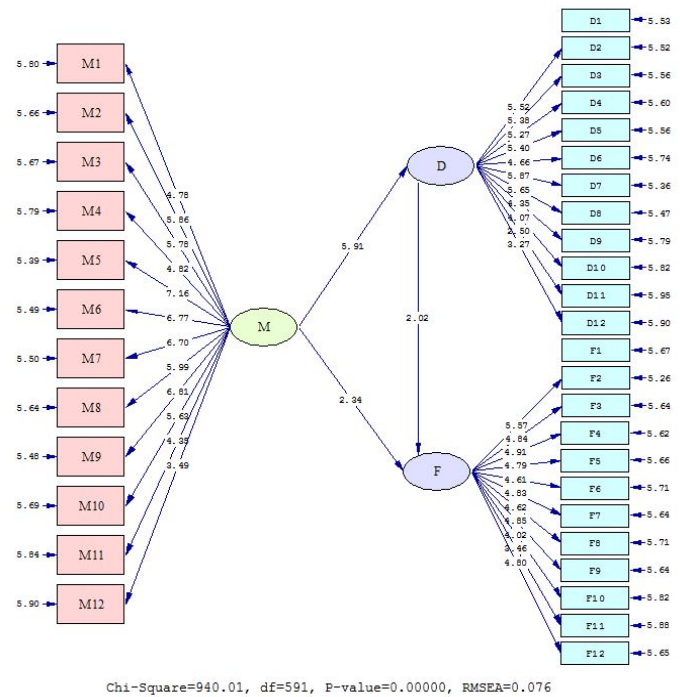
<sup>۲</sup> از حروف انگلیسی M، D، F ترتیب برای شناسایی متغیرهای مشارکت سیاسی، دموکراسی و فرهنگ سیاسی استفاده شده است.



عبارتی مردم به تک تک برنامه‌ها رای نمی‌دهند، بلکه انتخاب آنها مبتنی بر پذیرش یا رد مجموعه‌ای از سیاست‌ها و ارزش‌ها است. البته باید گفت معیار مشارکت سیاسی در جوامع مختلف متفاوت بوده و ممکن است در یک جامعه رای دادن بیشترین میزان مشارکت سیاسی بشمار آید، در حالی که در جامعه دیگر دارا بودن منصب سیاسی بیشترین میزان مشارکت سیاسی تلقی می‌گردد. بنابراین با توجه به ارتباط تنگاتنگ مشارکت سیاسی و دموکراسی و نیز با در نظر گرفتن نتایج آزمون‌های آماری می‌توان ادعا کرد فعالیت‌های مشارکتی شهروندان کرد در استقرار نظام دموکراتیک تاثیر مستقیم و موثری داشته و حضور مردم در عرصه‌های مختلف اداره جامعه، از مهمترین پایه‌های ثبات و استواری سیستم سیاسی موجود می‌باشد. حضور و مشارکت مردم هم در اصل تاسیس و پیدایش نظام سیاسی تاثیر گذاشته است و هم در تداوم و استمرار آن. در هر حال مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت‌ها از شاخص‌های توسعه - فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - در اقلیم کردستان عراق به شمار می‌رود و از مصادیق بارز حضور مردم در تعیین سرنوشت خودشان است.

در سوال دوم، که به تاثیر مشارکت سیاسی در شکل‌گیری مولفه‌های فرهنگ سیاسی اشاره داشت، تامچو و رودولف باور دارند مشارکت سیاسی رابطه‌ای بین شهروندان و دولت ایجاد می‌کند و اجازه می‌دهد که شهروندان به صورت مستقیم و غیرمستقیم نگرانی‌ها و خواسته‌هایشان را به دولت و صاحبان قدرت منتقل کنند [۴۳]. همچنین اینگلهارت و ولزل معتقدند در کشورهایی که قوام و پایداری نظام‌های اقتدارگرا و غیر-دموکراتیک مشاهده می‌شود، فرهنگ سیاسی توده اقتدارگرایانه است. اما در کشورهایی که از توسعه و ثبات سیاسی برخوردارند و دارای نظام دموکراتیک کارآمدی هستند، فرهنگ سیاسی توده از نوع دموکراتیک است [۴]. با توجه به این مطالب و با استناد به آزمون‌های آماری می‌توان ادعا کرد فرآیندهای مشارکتی در القاء دیدگاه‌ها و نگرش‌های مدرن به شهروندان کرد نقش اساسی داشته است. به عبارتی این فرآیندها در شکل‌گیری دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های مردم نسبت به ساختار سیاسی و روند تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک تاثیرگذار است. در هر حال مشارکت شهروندان این طرز تلقی را ایجاد نموده که آراء آنها در آینده می‌تواند تغییرات قابل توجهی در زندگی‌شان ایجاد نماید. این موضوع خود بستر فکری و فرهنگی مناسبی را در سطح جامعه برای نزدیکی هر بیشتر دولت و مردم فراهم نموده است. به طوری فرآیندهای که مشارکتی به عنوان یک اقدام عملی جهت افزایش و توزیع فرصت‌های برابر بین مردم، و شرکت در تصمیم‌گیری‌های جمعی به منظور استقرار یک نظام دموکراتیک بشمار می‌رود. فرآیندهای مشارکتی به عنوان یک اقدام عملی جهت افزایش و توزیع فرصت‌های برابر بین مردم، و شرکت در تصمیم‌گیری‌های جمعی به منظور استقرار یک نظام دموکراتیک بشمار می‌رود.

در سوال سوم، که به میزان تاثیر گذاری سیستم دموکراسی بر شکل‌گیری مولفه‌های فرهنگ سیاسی اشاره داشت، به نظر می‌رسد در اقلیم کردستان عراق دستیابی به فرهنگ سیاسی مشارکتی مستلزم برقراری سیاست‌های دموکراتیک است و جهت‌گیری‌های مردم نسبت به نهادها،



شکل (۱): مقادیر T-value متغیرها

جهت ارزیابی مدل تحقیق، شاخص‌های برازش بررسی گردید که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴): شاخص‌های برازش مدل تحقیق

شاخص‌های برازش	دامنه پذیرش	مقدار مشاهده شده
X <sup>2</sup> /df	بین ۱ تا ۳	۱/۴۷
RMSEA	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۷۸
NFI	بالای ۰/۹۰	۰/۹۱
NNFI	بالای ۰/۹۰	۰/۹۲
CFI	بالای ۰/۹۰	۰/۹۳
IFI	بالای ۰/۹۰	۰/۹۳
GFI	بالای ۰/۹۰	۰/۹۲
AGFI	بالای ۰/۹۰	۰/۹۱

## ۷- نتیجه گیری

در سوال اول، که به رابطه مشارکت سیاسی شهروندان و استقرار نظام دموکراتیک اشاره داشت، ستوکس بیان می‌کند از موثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و با ثبات، جلب مشارکت مردم در فرآیند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا است [۴۲]. بدیهی است تفکیک نظام‌های سیاسی در جوامع بشری به جوامع دموکراتیک یا غیردموکراتیک، براساس میزان مشارکت و نقش شهروندان در حکومت و امور جامعه قابل ارزیابی می‌باشد و به لحاظ نظری، هنگامی که مردم در انتخابات شرکت می‌کنند در واقع، برنامه‌ها و سیاست‌های احزاب گوناگون را قبول با رد می‌کنند. به



صص ۱۴۱-۱۳۹.

[۱۳] راش، مایکل. (۱۳۹۳). جامعه و سیاست (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی)، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت، صص ۱۲۳.

[۱۴] شومپتر، جوزف. (۱۳۸۹). کاپیتالیسم، سوسیالیسم و دموکراسی، ترجمه حسن منصور، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص ۳۴۱-۳۴۰.

[۱۵] شیرزادی، رضا. (۱۳۸۹). دولت و توسعه سیاسی در مالزی، نشریه مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۹، صص ۱۷۹-۱۵۳.

[۱۶] عالم، عبدالرحمن. (۱۳۹۳). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، صص ۱۱۵.

[۱۷] عبداللهی، محمد. حسین بر، محمد عثمان. (۱۳۸۵). هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۷، شماره ۴، صص ۳۳-۳.

[۱۸] قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۲). سیاستهای مقایسه‌ای، تهران: انتشارات سمت، صص ۷۳.

[۱۹] کریمی‌فرد، محمدرضا. (۱۳۸۹). بررسی مشارکت سیاسی در آذربایجان غربی با تاکید بر قوم کرد، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز، صص ۲.

[۲۰] کوهن، کارل. (۱۳۹۱). دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر نی، صص ۱۷.

[۲۱] کیویستو، پیتر. (۱۳۹۲). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، صص ۸۶.

[۲۲] گن، ذیر. (۱۳۹۰). دگرگونی سیاسی در جهان سوم، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات سفیر، صص ۱۹۶.

[۲۳] مظلوم خراسانی، محمد. عظیمی هاشمی، مژگان. (۱۳۹۰). توسعه و نابرابری در هند، فصلنامه مطالعات جهان، دوره ۱، شماره ۲، صص ۴۸-۷.

[۲۴] میلبرث، لستر. گوئل، لیل. (۱۳۹۶). مشارکت سیاسی، ترجمه رحیم ابوالحسنی، تهران: نشر میزان، صص ۲۲۲.

[۲۵] هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۹۳). موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه، صص ۷۷.

[۲۶] هیوود، اندرو. (۱۳۹۱). مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس، صص ۳۴۰.

[27] Almond, G. (2012). **The Development of Political Development, Understanding Political Development**, (ed), Myron Weiner and Samuel Huntington, Boston: Little Brown, 25.

[28] Catt, H., (2011), **Democracy in Practice**, Rutledge, U. S. A and Canada, 12-13.

[29] Cord, R., Medeiros, J., Jones, W. (2013). **Political Science**, Second Ed, New Jersey: Prentice Hall, 63-78.

[30] Deutsch, K. (1991). **Social Mobilization and Political Development**, American Political Science Review, 53(3), 493-511.

[31] Diamond, L. (2011). **Developing Democracy toward Consolidation**, Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press, 161.

[32] Eckstein, Sh., Donald, G., Horton, D., & Carroll, T. (2016). **Land Reform in Latin America: Bolivia, Chile, Mexico, Peru and Venezuela**, World Bank Staff Working Paper, Washington DC, No 275, 194.

[33] Frederickson, G. (2011). **New Public Administration**, Tuscaloosa: University of Alabama Press, 32

[34] Gaiser, W., & Rijike, J. (2014). **Political Participation of Youth Young Germans in the European Context**, Asia Europe journal, Springer, January, 5(4), 541-555.

[35] Graham, A., & Regulska, J. (2015). **Expanding Political Space for Women in Poland: An Analysis of Three Communities**, Communist and Post-Communist Studies, 30(1), 65-82.

[36] Goulet, D. (2011). **Development Ethics: a Guide to Theory and Practice**, New York: The Apex Press and, London: Zed, 101.

[37] Huntington, S. (2013). **The Third Wave Democratization In The Late Twentieth Century**, Norman: University of Oklahoma Press, 6.

ساختارها و نیز عملکرد نظام سیاسی نشان‌دهنده فرهنگ سیاسی مشارکتی آنها است. از آنجایی که ایجاد و تثبیت ارزش‌های دموکراتیک در جامعه، سبب شکل‌گیری نگرش و دیدگاه مثبت شهروندان نسبت به عملکرد نظام سیاسی می‌شود، لذا پشتیبانی از نظام سیاسی تا حد قابل توجهی به ارزشها، اعتقادات و دیدگاه‌های شهروندان بستگی دارد. به عبارتی دیگر نگرش مردم و نخبگان جامعه به سیاست، تلقی آنها از رفتارهای نظام سیاسی شکل داده و در نتیجه جهت‌گیری‌های توده را مشخص کرده است. با توجه به اینکه فرهنگ سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی بر کسی پوشیده نیست، لذا برای تحقق جامعه‌ای دموکراتیک، توسعه‌یافته اهتمام به ایجاد و پرورش فرهنگ سیاسی مشارکتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و می‌تواند ساختارهای حکومتی و کارکردهای آن را تحت تاثیر قرار دهد. بر این اساس و با در نظر گرفتن نتایج آزمونهای آماری می‌توان استدلال کرد نگرش‌ها، ارزش‌ها و چارچوب فکری شهروندان متناسب با عملکرد نظام سیاسی شکل گرفته و نوعی پیوند هنجاری میان دولت و مردم بشمار می‌آید که بر پایه دموکراتیزه کردن جامعه استوار است.

## منابع و مأخذ

[۱] اطاعت، جواد. (۱۳۸۳). **نظام‌انتخاباتی و نظام سیاسی**، مطالعه فرایند دموکراتیزه-اسیون در ایران، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، صص ۱.

[۲] اوکلی، پیتر. مارسدن، دیوید. (۱۳۹۱). **رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی**، ترجمه منصور محمودنژاد، تهران: انتشارات جهاد سازندگی، صص ۴۴.

[۳] اینگلهارت، رونالد. (۱۳۹۲). **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، ترجمه مریم وتر، تهران: نشر کویر، صص ۱۷.

[۴] اینگلهارت، رونالد. ولزل، کرسنتین. (۱۳۹۴). **نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی**، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر، صص ۳۲۶-۳۲۳.

[۵] باگناسکو، آرنالدو. (۱۳۹۲). **اعتماد و سرمایه اجتماعی**، ترجمه محمد خضری فرامرزی تقی‌لو و سعید فرزاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۳۶.

[۶] بال، آلن. پیترز، گای. (۱۳۹۴). **سیاست و حکومت جدید**، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: انتشارات قومس، صص ۸۳-۷۳.

[۷] بروکر، پل. (۱۳۹۵). **رژیمهای غیردموکراتیک (نظریه‌ها، سیاست و حکومت)**، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران: انتشارات کویر، صص ۲۰-۱۵.

[۸] بشیریه، حسین. (۱۳۹۴). **گذار به دموکراسی**، تهران: انتشارات نگاه معاصر، صص ۲۳۵.

[۹] بشیریه، حسین. (۱۳۹۶). **آموزش دانش سیاسی**، تهران: نشر نگاه معاصر، صص ۳۳۳.

[۱۰] بهمنی‌طراز، غدیر. (۱۳۹۴). **بررسی میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک در بین طبقه متوسط جدید و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه: استادان دانشگاه و دبیران دبیرستانهای شهر همدان)**، رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، صص ۱.

[۱۱] پای، لوسین. (۱۳۸۹). **فرهنگ سیاسی و توسعه‌سیاسی**، ترجمه مجید محمدی، فصلنامه فرهنگ، سال ۲، شماره ۲-۱، صص ۴۷-۳۷.

[۱۲] پوپر، کارل. (۱۳۹۶). **درس این قرن**، ترجمه علی پایا، تهران: انتشارات طرح نو،

- [38] Kirbis, A. (2012). **Political Participation and Non-democratic Political Culture in Western Europe, East-Central Europe and Post-Yugoslav Countries**, (ed), Kyriakos N. Demetriou in, *Democracy in Transition: Political Participation in the Europe Union*, Springer, 225-251.
- [39] Lerner, D. (2015). **The Passing of Traditional Society**, Glencoe: Free Press, 511.
- [40] Lipset, M. (1990). **Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy**, *The American Political Science Review*, 53(1), 69-105.
- [41] Robertson, D. (2013). **The Penguin Dictionary of Politics**, Penguin Books, London, 269.
- [42] Stokes, A. K. (2003). **Latino Group Consciousness and Political Participation**, *American Politics Research*, 31(4), 361-378.
- [43] Tam Cho, W., & Rudolph, T. (2008). **Emanating Political Participation: Untangling the Social Structure Behind Participation**, *British Journal of Political Science*, 38 (2), 273-289.
- [44] Tessler, M. (2016). **Islam and Democracy in the Middle East: The Impact of Religious Orientations**, an Attitude toward Democracy in Four Arab Countries, *Comparative Politics*, 34(3), 337-354.
- [45] Wheatley, S. (2013). **Non-Discrimination and Equality in the Right of Political Participation for Minorities**, *Journal on Ethno politics and Minority Issues in Europe*, Issue 3, 1-20.